

به نام خداوند جان و خرد



سرزمین و مردم قوچان (۹)

ولی خان شجاع نظام

نایب الحکومت قوچان

محمد جابانی

سرشناسه: جابانی، محمد

عنوان و پدیدار: سرزمین و مردم قوچان (۹) ولی خان شجاع نظام / مؤلف: محمد جابانی

مشخصات نشر: مشهد: سخن گستر، ۱۳۸۶

مشخصات ظاهری: ۲۶۸ ص (وزیری)

شابک: 9 - 408 - 477 - 964 - 978 ISBN:

یادداشت: فیبا

موضوع: قوچان - تاریخچه - ادب و رسوم

رده بندی کنگرد: ۱۳۸۶ / ۵۱ ج / BP ۷۲۵۲

رده بندی دیویی: ۳ / ۵۵۰۸ / ۳

شماره کتابخانه ملی ایران: ۸۶-۸۷-۴۹ م



انتشارات سخن گستر

مشهد - بین ابن سینای ۱۶ و پاستور - شماره ۱۷۴

تلفن: ۸۴۳۹۹۵۵

نام کتاب: سرزمین و مردم قوچان (۹) ولی خان شجاع نظام نایب الحکومه قوچان

مؤلف: محمد جابانی

صفحه آرائی: سخن گستر (مرضیه پورامینی)

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۶

تعداد صفحه: ۲۶۸ (وزیری)

چاپ: ژیان

قیمت: ۲۲۰۰ تومان

شابک: ۹-۴۰۸-۴۷۷-۹۶۴-۹۷۸

فهرست مطالب

آغازین.....	۷-۱۴
حکومت امیر حسین خان تا سرگذشت شیخ‌الرئیس افسر.....	۱۴-۲۱
قرارداد ننگین آخال و حکومت محمدناصر خان.....	۲۱-۳۰
یادداشت‌های لطفعلی خان درگزی.....	۳۱-۴۹
رمضان خان نائب‌الحکومه.....	۵۰-۵۵
خسروخان.....	۵۶-۵۷
ولیعنان و فرزندان.....	۵۸-۶۱
چمن لیلی و خاطرات پهلوانان در ملک‌آباد ملک حسین خان.....	۶۲-۸۲
تاج‌محمد خان- عکسها.....	۸۴-۹۴
امیرآباد.....	۹۵

ولی آباد	۹۶-۹۹
چری - فرهادخان طایفه توپکانلو	۱۰۰-۱۰۵
ساختمانهای ولیخان (فرهادخانی - تاج محمد خانی با تصاویر)	
حاج صادق کاظمیان و عکسها	۱۰۶-۱۰۷
یادبود فرج الله خان و فرهاد خان	۱۰۷-۱۱۰
طایفه قهرمانلو - قهرمانی - منطقه حکومت	۱۱۱-۱۲۸
محمد اسماعیل العراقي و شرح قضایای کتاب او	۱۲۹-۱۵۹
درباره ولی خان و خسروخان	
درباره حکومت عبدالرضا خان	۱۶۰-۱۶۶
حکومت امیر حسینخان آصف الدوله	۱۶۷-۱۷۰
حکومت میرزا ابوالقاسم خان مستوفی	۱۷۱-۱۷۲
حکومت حشمت السلطان،	۱۷۲
فرمان مشروطیت - ادارات هشتگانه	
میرزا علی اصغر خان اتابک	۱۷۴-۱۷۷
تشکیل مجلس شورا	۱۷۷
مرثیه درباره ولی خان	۱۷۸
عکسهای اضافی	۱۸۱
گراور اصل کتاب	۱۸۲-۲۶۵
آثار منتشر شده	۲۶۶-۲۶۹

- آگاهی‌های ما از گذشته‌ها به طرق مختلف امکان‌پذیر است
- اشیاء به جای‌مانده که زبان گویای علم و اندیشه گذشتگان می‌باشد و برای ما میراثی گرانبهاست.
 - نوشته‌ها که چگونگی تاریخ حکومت‌ها، زندگی انسان‌ها و سایر مظاهر زمانهای گذشته را برای ما بازگو می‌کنند. این نوشته‌ها با مصادیقی همراه است و با تعاریفی که نویسندگان و منشیان و نوکران جیره‌خوار درباری نوشته‌اند بدین جهت مستلزم بازنگری است.
 - شنیده‌ها و نقل قصه‌ها و داستانها به صورت روایی و سینه به سینه که نمی‌توان همه آنها را قطعی تلقی کرد.
- با توجه به موارد مذکور با اینکه بسیاری از سرگذشت‌های ذکر شده در کتاب‌های سرزمین و مردم قوچان متأثر از هر سه مورد بوده است ولی سعی گردیده که درست‌ترین آنها انتخاب و در معرض افکار قرار گیرد.

دو نسخه خطی که در این مجموعه از نظرتان می‌گذرد حکایت از چگونگی اداره حکومت در سرزمین ما و در دوره قاجاریه دارد. در این دو نسخه قسمتی از حکومت امیرحسین‌خان حاکم مقتدر قوچان و محمدناصرخان و گرفتاری‌های مردمی که ظلم و جور طبقه حاکم و از چنددستگی سران مملکت، رشوه‌خواریها، سوءرفتارها و حرکت‌ها و خرابی‌ها حکایت دارد و به رشته تحریر درآمده است از نظرتان می‌گذرد.

در بعضی از این نوشته‌ها، بی‌بندوباری افراد مسئول به وضوح دیده می‌شود. لطفعلی‌خان درگزی در سفرنامه خود جز جوهر و تریاک و پول و تعریف و تمجید حاکم مطلب دیگری نیاورده است با اینکه آگاهی‌های او از چگونگی روند کار زیاد است ولی انحطاط اخلاقی و ستم حاکم با این ساده‌نویسی‌ها روشن گردیده است.

غلامان حلقه به گوش نوکران به‌به‌گوی در طول تاریخ ایران همیشه در صف اوّل بوده‌اند و خدمتگزاران واقعی هم اندک.

در کتاب منظوم محمد اسماعیل العراقي الفراهانی متخلص به سیفی هم با اینکه آگاهیهای زیادی در دسترس ما قرار می‌دهد و درباره جریان آن روزگار حقایقی را ابراز می‌دارد ولی در بسیاری موارد لغزشها و چشم‌پوشی‌ها مشاهده می‌گردد که در جای خود به هر یک اشارت خواهد شد سفرنامه لطفعلی‌خان درگزی شامل ۷۴ صفحه هر صفحه حدّ متوسط هشت سطر در کاغذ اعلا و در قطع جیبی با مرکب با خطی خوش از روز سه شنبه ۳ ربیع‌الثانی شروع و حدود هفت ماه نوشته‌ی آن به

طول انجامیده کل کتاب ۳۸۳ صفحه دارد که بقیه آن شامل مطالب دیگر و بعضی از صفحات سفید است شیرازه و صحافی خوبی هم دارد.

در این کتاب فقط قسمتی از حکومت محمدناصرخان ذکر شده است که به قول مثل معروف مشت نمونه‌ی خروار است.

در کتاب دوّم که گویای جریان تاریخی حوزه‌ی قوچان بعد از فوت محمدناصرخان می‌باشد مطالب بیشتر و جامعتری ارائه گردیده است که چگونگی آن را در ابتدای شروع کتاب خواهید خواند.

خیلی جالب است که اعمال حکومت مرکزی به صورت عمودی به زیردستان منتقل می‌گردد امیرکبیرها به واسطه‌ی صداقت و انجام کار اصولی آن چنان کشته می‌شوند و قهرمان خان‌ها و تعدادی دیگر در مقیاسی کوچک‌تر این چنین، در حوزه قوچان به وضوح در لابلای نوشته‌های به جا مانده شاهد کشته شدن قهرمان‌خان نایب‌الحکومه‌ی زمان امیرحسین خان شجاع‌الدوله و برادرزن او خواهیم بود و یا هستیم که به واسطه تعریف شاه از او با قهوه‌ی قجری از بین می‌رود.

در حکومت مطلقه‌ی امیرحسین خان که فقط باجگزار و خراجگزار شاه بوده است قهرمانخان برادر همسر او درخشش خاصی داشته است کتابخانه خطی او باغهایی که با سبکی خاص ایجاد کرده بود و به قول شادروان سلیمانخان روشنی حتی باغ منبع مشهد از روی نگاره و نقشه باغ قهرمانخان به وجود آمده بود از بین برده می‌شود.

رمضان‌خان نایب‌الحکومه دیگر او که در حکومت نویای محمدناصرخان نیز مورد محبت بود و پسرش محمدخان که به زبان فرانسه و روسی تسلط کامل داشته است در جریان انتقال مردم از شهر قدیم به شهر جدید کشته می‌شود.

ولی‌خان شجاع نظام که در کتاب منظوم سیفی مورد بحث است بالاخره جان خود را در راه حقیقت از دست می‌دهد.

در این مجموعه که قسمتی از تاریخ حکومت قوچان را با توجه به اسناد ذکر می‌کنم توضیحات لازم داده خواهد شد.

برای آگاهی بیشتر ناچارم قدری به گذشته برگردم. تا پس از روشن شدن نحوه‌ی کار حکومتها و شناخت افراد و آگاهی یافتن از جایها و مکانها به اصل قضیه پرداخته شود.

در مطالعه این کتابهای خطی و تاریخی گاهی اوقات بیش از حد متأثر می‌شویم که چرا امیرحسین‌خان شجاع‌الدوله با آن یال و کوبال و قدرت یک کار فرهنگی مانا انجام نداده است.

کدام کار مردمی را در این زمان می‌بینیم که حداقل منسوب به او بدانند و بعد هم محمد ناصرخان که البته ایجاد شهر جدید آن هم به ضرورت زیرا زلزله‌های ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ قمری خواه ناخواه او را وادار به ساختن شهر جدید نمود که استفاده از نظر مهندسین روسی و نظریه مهندس عبدالرزاق‌خان بغایری که در آن زمان برای کارهای مرزی آمده بود اقدامی جالب بوده است اما به هیچ وجه آینده‌نگری نشده است. در همان زمان بنا به نوشته‌ی مدیر دیوان روزانه چهارصد کاری و یک هزار شتر به حمل بار و رفت و آمد در شهر اشتغال داشته‌اند این رفت و آمدها به آنان

هشدار می‌داده است که باید عرض خیابانها را بیشتر بکنند وجود اینهمه کاروانسرا که حداقل در هر خیابان اصلی به ده باب می‌رسیده است چشم آنها را باز نکرده است.

وقتی یادداشتهای متعدّد را می‌خوانیم می‌بینیم که فقط زور بر مقدرات مردم حاکم بوده است و آنکه بر تخت می‌نشیند با چشم عقل به اوضاع نمی‌نگرد بلکه با هیبت حکومت قضایا را می‌سنجد و به اصطلاح مثل معروف چشم عقلش کور می‌شود.

می‌گویند حاکمی بوده است که بر تخت چوبی می‌نشسته و کسانی را که مأموران می‌آورده‌اند دستور شلاق می‌داده است و گاهی خود در شلاق زدن به مأموران کمک می‌نموده است. کم کم روی چوب پوستی گذاشتند باز این کار ادامه یافت ولی حاکم کمتر به شلاق زدن می‌پرداخت مدتی گذشت بادمجان دور قاب‌چین‌ها برایش تشک گذاشتند و بعد زیر او را ملایم‌تر کردند تا آنجا که هوس کرد حکم بدهد تا دیگران مجرمان را شلاق بزنند و پس از مدتی درازکش می‌کرد تا آنکه در هنگام شلاق زدن خوابش می‌برد.

شلاق زدن به وسیله مأموران ادامه می‌یافت تا مجرم می‌مرد این خوابیدنها در کار حکومت خطرناک است و خطر هم متوجّه مردم است و این مردم هستند که برای شاه‌ها و شاه‌قلی‌ها آن چنان تخت و وسایل عیش و نوش را فراهم می‌کنند که اصل رسیدگی به کارهای مردم و وعده‌های خدمت از بین می‌رود.

حاکم را مانند مترسکی در میان می‌گیرند و با دستهای خود می‌چرخانند منافع هم متوجه آنهاست و مضار رسیده عاید مردم می‌گردد. این امر در نوشته‌های مدیر دیوان کاملاً نمایان است.

او نوشته است «حکومت در دست ما مانند مرده‌ای در دست غسال بود او را به هر طرف می‌خواستیم می‌چرخانیدیم» از سخاوت محمدناصرخان و شجاعت امیرحسین‌خان بسیار نوشته شده ولی قساوتها و بی‌رحمی‌ها هم بی‌نهایت بوده است گویا این قسمت اخیر برای ماندن حکومت لازم بوده است و بسیاری از نوشته‌های منشیان دریاری حاکی از همین تعاریف بی‌معنی است زنجیر عدل انوشیروان و خر رانده شده را برای اثبات عدالت انوشیروان شاهد مثال می‌آورند حال تا چه حد صحت داشته باشد مشخص نیست ولی در یک روز چهل هزار مزدکی را به صورت درخت کاشتن و انسانها را به خاطر عقیده‌ای که داشته‌اند زنده در خاک کردن هم عدالت را می‌طلبید یا حکومت را؟ قضیه انقیه به دماغ سگ شجاع‌الدوله را در یادداشت‌های مدیر دیوان می‌خوانیم که موجب شد سگ حاکم سرفه کند و شجاع‌الدوله مسبب این امر را به سختی مجازات نماید سگی که به همه جا سر می‌زده و آزادانه راه آشپرخانه را در پیش می‌گرفته آشپزباشی را وادار کرده بود که حداقل تنبیهی برای او قائل شود شاید هم یک نوع شوخی بوده است اما به نقل از شادروان شیخ عبدالحسین تالهی که گفتارش درست بود می‌گفت: شجاع‌الدوله دستور داد با همان زنجیر سگ آن قدر بر سر آشپزباشی کوبیدند تا جان سپرد حسین‌خان هم با اینکه از مخالفت با امیر پشیمان شده و بعد از در بدریهای زیاد خود را به اصطبل انداخته و زنجیر به گردن گرفته بود و امان خواسته بود به همین

منوال از بین رفت پس باید گوشه‌ها و زوایای کار حکومت را جستجو کرد و از لابلای این سطور می‌توان به خیلی از مسائل پی برد در ششمین کتاب قوچان که درباره‌ی خانواده صراف‌باشی نوشتم بسیاری از مسایل حالت روشنگری داشت حاکم برای آمدن ما در خود از مگه دستور یکصد کله قند ۴/۵ کیلویی را می‌دهد که ۴۵۰ کیلو می‌شود در صورتی که مردم با کشمش آنوخ (کاکوتی) می‌خوردند و هنوز قند تازه از روسیه وارد می‌شد و سایر قضایا که هر کدام در خور توجه است و دستورات باید فلان کار بشود شروع می‌شده است چرا اینها تا روز آخر بخود نیامدند و حداقل کار خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار ندادند کدام کار ماندنی به انجام رسید که نفع آن عاید مردم شود. این خرابیها ناشی از مملکت‌داری رأس حکومت قاجاریه بود اصولاً اگر شاهی و حاکمی که در رأس قرار دارد توجه نکند گماشتگان و متصدیان امور به آنها تاسی می‌کنند معلوم است که می‌گویند چرا او هزار زن عقدی و صیغه‌ای داشته باشد و بیگلر بیگی درگز با سن ۱۱۰ سال سی زن بگیرد چرا؟ او چه چیزی کمتر دارد اگر حاکم بالا ۱۰ کالسکه داشته باشد حاکم پائین دست چرا یکی نداشته باشد آن همه درباری، بیماری، بیکاری و مفتخواری؟

در تاریخ رجال ایران قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری قمری در صفحه ۲۴۸ آمده است که: «ناصرالدین‌شاه پس از مرگش ۸۵ زن داشته و هر کدام از زنهای بزرگ یک عمارت و زنهای دیگر از یک تا سه اطاق داشته‌اند و زنهای جزء به زنهای بزرگ سپرده شده بودند و تعداد همه آنان سه هزار تن می‌شده است زنهای درجه اول ماهی ۷۵۰ تومان درجه ۲ از پانصد تا ۲۰۰ تومان و صیغه‌ها از ۱۰۰ تا ۱۵۰ تومان و

دختر بزرگ شاه سالی ۴۰۰۰ تومان حقوق داشته است آن همه نوکر و خدم و حشم چرا؟

حالا از گروه‌های مختلف فراش خلوتها و ایشیک آقاسی‌ها و تار و دبنک زنها می‌گذریم که در هر زمان به نوعی در کار حکومتها چهره می‌نمایند و مردم باید تاوان تمام اینها را بدهند یک زمان به صورت تفنگ پولی فشنگ پولی و... بعد هم مالیات و راهکارهای دیگر که تمام به عهده مردمی است که در زیر سایه ظل‌الها باید زندگی کنند و دم برنیاورند.

حال به تاریخ مختصری از حکومت امیر حسین خان و محمدناصرخان می‌پردازیم:

بقیه قضایا را در کتابهای لطفعلی خان درگری و ولی خان شجاع نظام می‌خوانید. توضیحات لازم در پانوشتها خواهد آمد در کتابهای متعدد آمده است که امیر حسین خان حاکم مقتدر قوچان جز به شاه به کسی پیشکشی نمی‌داده است و بدین جهت حکام خراسان با او درگیری داشته‌اند جریان پناه بردن شیخ‌الرئیس به حاکم قوچان یکی از آن مقوله‌هاست.

که در کتابهای متعدد آمده است معذک تکرار آن برای خوانندگان نشان‌دهنده قدرت و کار امیر حسین خان حاکم قوچان و از طرفی شجاعت شیخ‌الرئیس بوده است.

شیخ‌الرئیس افسر خود از خاندان قاجار بوده است و در مشهد امور شرعی را اداره می‌کرده است او در زمان رکن‌الدوله گزارشی به تهران داده و اظهار عقیده کرده